

جنگها و ملتها

جعفر گلابی

یکی از دوستان در جبهه جنگ عراق (همان کشوری که قرار است بنیاد شهید ما با سازمان متولی کشته‌شدگان آنها همکاری داشته باشد!) با ایران شیمیایی شد بالاخره زنده ماند ولی زخم شیمیایی ریه‌هایش را رها نمی‌کند، در جمع‌های دوستانه وقتی اثرات آن زخم منحوس سراغش می‌آید چنان سرفه می‌کند که همه مضطرب می‌شوند و تو فکر می‌کنی که همین الان جان خواهد داد! بنده خدا وقتی از آن حالت بیرون می‌آید لبخندی می‌زند و می‌گوید چیزی نیست، نگران نباشید. او از همان‌هاست که به بنیاد شهید مراجعه نمی‌کند و زندگی‌اش با نقاشی ساختمان اداره می‌شود.

من نمی‌دانم در حال حاضر چه تعداد از جانبازان شیمیایی زنده مانده‌اند ولی خوب می‌دانم که آنها پس از این‌همه سال دایما در حال شکنجه شدن هستند. حالا که احتمال استفاده طرفین جنگ روسیه و اوکراین از سلاح شیمیایی اروپا را به وحشت انداخته است یاد مظلومیت بچه‌های جبهه خودمان می‌افتم. همان موقع که بمب‌های شیمیایی‌اش را برخی کشورهای اروپایی می‌دادند و هواپیماهای میگ 29 ساخت شوروی این بمب‌ها را روی بچه‌ها می‌ریختند. همان موقع که بچه‌های جنگ هنوز حتی راه‌های دفاع شیمیایی را نمی‌دانستند و ابزارش را هم نداشتند. همان موقع مرحوم هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه به دنیا هشدار داد که این راه انتخابی شما بسیار خطرناک است و روزی دامان خودتان را خواهد گرفت (قریب به مضمون). البته آن زمان صدای ایران به هیچ جا نمی‌رسید و صدام در میان سکوت رضایت‌آمیز جهان تا توانست کشتار جمعی کرد و کم‌کم استفاده از این سلاح در شهرها مطرح شد که ایران قطعنامه سازمان ملل را پذیرفت و جنگ خاتمه یافت. حالا که روسیه موضوع استفاده اوکراین از این سلاح را تا شورای امنیت سازمان ملل می‌کشاند و بسیاری از صاحب‌نظران و سیاسیون آن را مقدمه استفاده این کشور از این سلاح می‌دانند بالا رفتن خطر برای جهان همه را نگران کرده است. اگر این سلاح کشتار جمعی در جنگ اوکراین به کار رود بعید است که جنگ در این کشور محدود بماند و قریب است که گامی هولناک به سمت جنگ سوم جهانی برداشته شود. متأسفانه خطر گسترش ابعاد جنگ در اوکراین

تنها از سوی قدرتهای بزرگ چندان جدی گرفته نمیشود و دلیلش این است که هرکدام با تمام توان در حال فشار به طرف مقابل هستند و جنگ را حیثیتی کرده‌اند و روز به روز امکان بازگشت را سخت‌تر و کمتر می‌کنند، چنانچه يك خطا و يك اشتباه محاسباتی خواهد توانست کنترل اوضاع را از دست همه خارج کند و زمین در آستانه نابودی به دست خود بشر قرار بگیرد. به نظر می‌رسد در این میان همه در حال خطا و اشتباه هستند. اشتباه بزرگ ناتو در پیشروی به سمت شرق با اشتباه بزرگ‌تری از سوی روسیه روبرو شد که به خاک کشور همسایه تجاوز کرد و تصمیم گرفت مشکل را با جنگ و قدرت‌نمایی حل کند. رییس‌جمهور بی‌تجربه اوکراین که تا امروز هم از سوی غرب تشویق می‌شود اشتباه مهلك مرتکب شد که کشور خویش را جبهه دعوی قدرتها قرار داد و غیر از خساراتی که تاکنون دیده است اگر اوضاع بدتر شود اولین کشوری خواهد بود که هرگز رنگ گذشته خود را نخواهد دید. هرچند در بسیاری از کشورها علیه تجاوز روسیه به اوکراین تظاهرات برگزار شد ولی مسلم است که گوش کرملین برای شنیدن این اعتراضات بسته است و همه آنها را تحریکات غرب قلمداد می‌کند و با جدیت به کار خود ادامه می‌دهد. اما این تجمع‌ها کافی نیست و توان رفع تجاوز را ندارد. اگر روزی از این طریق چنین امکانی فراهم شود باید بدون جانبداری و صرفاً برای توقف جنگ باشد. در جهان کمتر مردمی یافت می‌شوند که از جنگ استقبال کنند و طالب خونریزی باشند چون پیش و بیش از همه سیاستمداران این مردم هستند که زخم‌های عمیق و غیرقابل التیام جنگ را خواهند خورد و هزینه‌هایش را پرداخت خواهند کرد؛ لذا نخبگان به کمک نیروی ملتها می‌توانند اثرگذار باشند و فضای ضد جنگ فضای غالب عالم شود. در داخل کشور خودمان بیش از آنکه مخالفت با جنگ محوریت تام و تمام گرایش‌های مختلف باشد گرایش به سمت يك طرف و مقصر نشان دادن طرف دیگر دیده می‌شود. نفس این‌گونه برخوردها درست همان چیزی است که امکان گسترش این مناقشه خطرناک را افزایش می‌دهد. هرکس می‌تواند قضاوت خاص خود را داشته باشد و ناتو یا روسیه را مقصر بداند ولی در حال حاضر اولویت اساسی و فوری توقف جنگ است. صدای طرفداری ما له یا علیه دیگری در میان هزاران صدای موافق و مخالف گم خواهد شد ولی صدایی که جانبدارانه نباشد و محوریتش محافظت از جان کودکان و زنان و مردان بیگناه و توقف جنگ و کشتار باشد صدایی کاملاً مردمی و حتماً شنیده خواهد شد. ما به عنوان يك ملت هم از روسیه ضربات سنگین خورده‌ایم و هم غرب به کشورمان جفاهای بسیار کرده است و هیچ دلیلی ندارد طرف یکی را بگیریم یا مواضع‌مان در مجموع به نفع يك طرف ماجرا باشد. غرب و روسیه در جایی که پای کشور و مردم دیگری در میان نباشد، بروند تا

مي‌توانند باهم مجادله و رقابت و نزاع کنند، ستم آنها وقتي شروع ميشود که پاي ملتهاي ديگر را به معرکه مي‌کشند و ما مي‌توانيم مسوولانه و بشردوستانه از اين موضع به جنگ کنوني بنگريم و در محکوميتش ترديد نکنيم. جا دارد بشردوستان جهان عليه هر جنگ‌طلبي متحد شوند.

منبع: روزنامه اعتماد 23 اسفند 1400 خورشیدی